

قتل پسر سه‌ساله به دست پدر

■ پلیس خبر: ماموران انتظامی چالوس در پی مرگ مشکوک پسرچهارم س‌ساله با انجام تحقیقات پلیسی دریافتند، این کودک توسط پدرش به قتل رسیده‌ست. با اعلام مرگ مشکوک پسرچهارم سه‌ساله به نام «محمدصادق» ماموران پلیس چالوس تحقیقاتی را برای شناسایی علل مرگ وی آغاز کردند.

ماموران با توجه به مخالفت خانواده مقتول برای انجام تحقیقات به موضوع مشکوک شدند و در نهایت فهمیدند این کودک به‌علت خفگی ناشی از اثر فشار بر پشت گردن جان خود را از دست داده است. پدر خانواده پس از گذشت هفت روز از مرگ کودک در تحقیقات پلیسی لب به اعتراف گشود و گفت: از روی حسادت به فرزندم و از آنجایی‌که همسرم پس از تولد کودک نسبت به من بی‌تفاوت شده بود، او را کشتیم. بنابر این گزارش، متهم پس از تشکیل پرونده برای سیر مراحل قانونی به مرجع قضایی معرفی شد.

پلیس در تعقیب یک جنایتکار

■ فارس: پلیس در جست‌وجوی مردی است که طی دو سال گذشته زن، دو فرزند و پسر عموهایش را در شهرستان هرسین به قتل رسانده است. بهمن قربانی، فرماندار هرسین در این‌باره گفت: متهم ۴۰ساله به نام داریوش، اهل آبادی کلکوشوند، دو سال پیش زن و دو دختر ۱۰ و ۱۱ ساله‌اش را از روستا بیرون برد و به قتل رساند.

وی ادامه داد: این فرد بعد از اینکه تحت تعقیب نیروی انتظامی قرار گرفت تا دی‌ماه سال گذشته در خانه عموى خود پنهان بود اما بعد از مدتی با پسرعموهای خود نیز درگیر شد و با آنها در یک معدن سنگ قرار گذاشت و با اسلحه جنگی آنها را نیز به قتل رساند. قربانی ادامه داد: «به دلیل اینکه متهم در خانه اقوام خود مخفی می‌شد امکان دستگیری‌اش وجود نداشت. مردم روستای محل سکونت متهم نیز همکاری لازم را برای دستگیری این فرد با نیروی انتظامی نکرده‌اند که این موضوع سبب شده این فرد تاکنون دستگیر نشود. وی ادامه داد: بعد از وقوع این حوادث، به منظور تامین امنیت افراد این روستا پایگاه بسیج ایجاد شد و نیروی انتظامی نیز مدام به گشت‌زنی در این روستا می‌پردازد. قربانی خاطرنشان کرد: تاکنون هیچ شکایتی از متهم نشده است و خانواده شاکى نیز راه درستی را برای دنبال کردن پرونده طی نکرده‌اند. وی اضافه کرد: در حال حاضر هیچ‌گونه نامنى در این روستا وجود ندارد و مردم در امنیت کامل به سر می‌روند. فرماندار هرسین با اشاره به اینکه این فرد معتاد است، تصریح کرد: وی هم‌اکنون تحت تعقیب نیروهای انتظامی و امنیتی قرار دارد. او از مردم درخواست کرد در صورتی‌که این فرد را مشاهده کردند، موضوع را سریع‌ا به مراکز انتظامی اطلاع دهند.

دو حادثه هوایی در یک روز

■ مهر: دو پرواز شرکت هواپیمایی ماهان از مشهد به تهران در روز شنبه با دو اتفاق خاص مواجه شدند. البته خوشبختانه آسیبی به هیچ‌یک از مسافران وارد نشد. در یکی از این پروازها، خلبان هواپیمای ایرباس ماهان در هنگام فرود در فرودگاه مهرآباد به برج مراقبت اعلام کرد چرخ‌های هواپیما باز نمی‌شود که بلافاصله مسئولان برج مراقبت شرایط لازم را برای فرود این هواپیما فراهم کردند. در باند فرودگاه، فوم ریخته شد تا هواپیما فرود آید. ایرباس با مهارت و توانایی خاص خلبان، بدون اینکه آسیبی به مسافران آن وارد شود، فرود آمد. پرواز دیگر هواپیمای ماهان که روز شنبه قصد داشت از مشهد به تهران بیاید، پس از پرواز چند دقیقه‌ای به دلیل نقص فنی مجبور به فرود در فرودگاه هاشمی‌نژادشد.

کلاهبرداری با وعده لغو حکم اعدام

■ شرق: فردی که با سوءاستفاده از عناوین قضایی با اغفال فردی در ازای دریافت مبلغ ۴۰۰ میلیون تومان، وعده لغو حکم اعدام فرزند وی را داده بود، دستگیر شد. سرهنگ جمال نیکجو، فرمانده انتظامی پاکدشت با اعلام این خبر گفت: در پی اعلام شکایت یکی از شهروندان مبنی بر اینکه فردی با معرفی خود به عنوان کارمند دادسرا و دادگستری پس از دریافت مبلغ ۴۰۰ میلیون ریال وعده لغو حکم اعدام و آزادی فرزندش را داده بود ولی پس از گذشت ۹ ماه هیچ اقدامی انجام نداده و متواری شده است، موضوع بلافاصله از سوی ماموران پلیس آگاهی مورد بررسی و رسیدگی قرار گرفت. وی افزود: ماموران باانجام تحقیقات پلیسی، راهنمایی‌های شاکى و تعقیب و مراقبت مخفیگاه، متهم را در ورآمین شناسایی ووی را در یک عملیات غافل گیرانه دستگیر کردند.

سرهنگ نیکجو ادامه داد: متهم در ابتدا منکر تمامی گفته‌های مالبعته شد ولی پس از مواجهه با اسناد، مدارک و شواهد در حالی‌که چاره‌ای جز اعتراف نداشت به جرم خود اعتراف کرد. نیکجو در ادامه افزود: در ادامه شش نفر دیگر از مالباختگان شناسایی شدند و همگی در مواجهه با متهم وی را شناسایی کردند و متهم نیز به دریافت مبالغی وجه نقد از این شش نفر اعتراف کرد.

■ شرق: انتشار نامه‌ای از قربانی تعرض دسته‌جمعی در روستایی در کاشمر جزئیات تازه‌ای از این جنایت را فاش کرد و ابهامات جدیدی را به وجود آورد.

این فاجعه روز سوم اردیبهشت ماه در نزدیکی روستای قوژد واقع در شهرستان کاشمر رخ داد اما هیچ‌یک از مقامات انتظامی و قضایی درباره آن سخنی به میان نیاوردند تا اینکه امام جمعه کاشمر با انتقاد از مسئولان درباره نحوه برخورد با این پرونده، افکار عمومی را متوجه این جنایت هولناک کرد. پس از آن دیروز محمود شیخی‌نژاد، فرمانده نیروی انتظامی کاشمر به فارس گفت: قربانی تجاوز در ساعت ۱۲:۴۰ سوم اردیبهشت به بیمارستان مراجعه کرده و کارکنان بیمارستان مراتب را به پلیس اطلاع داده بودند. این زن در بازجویی‌های اولیه مدعی شدد از هیچ‌کس شکایت ندارد، اما روز بعد با مراجعه به کلانتری اعلام شکایت کرد. شیخی‌نژاد افزود: بلافاصله در پی شکایت این زن و دست‌نور مقام قضایی، هفت اکیپ از نیروهای انتظامی به روستا مراجعه و ۱۴ نفر از متهمان را دستگیر کردند و پس از بازجویی‌های اولیه، متهمان به پرونده تحویل مقامات قضایی در دادگاه کبفری خراسان رضوی داده شدند.

سردار امیری‌مقدم، فرمانده انتظامی استان خراسان رضوی نیز با تأیید وقوع این تجاوز از دستگیری تمامی متهمان این حادثه خبر داد و گفت: این حادثه سوم اردیبهشت‌ماه امسال حدود ساعت ۲۰ در خروجی شهر کاشمر کنار جاده روستای قوژد رخ داد. بر اساس اظهارات قربانی پرونده، وی در حال صحبت کردن با فردی در منطقه موردنظر بود که ناگهان دو موتورسوار به آنان حمله کردند و بنا ضرب و جرح و تهدید چاقو، این خانم را به یک باغ بردند و چند نفر از همدستانشان نیز به آنان ملحق شدند و وی را مورد تعرض قرار دادند. امیری‌مقدم با اعلام اینکه براساس ادعای این زن ۱۲ نفر در این باغ، وی را مورد تعرض قرار دادند، ماموران به محض اعلام شکایت وارد عمل شدند و ۱۳ متهم این پرونده که دارای سابقه کبفری موثر هستند را دستگیر کردند و بعد از بازجویی و اخذ اعتراف به مراجع قضایی تحویل دادند. امیری‌مقدم در شرایطی این اظهارات را مطرح کرد که پیش از این اعلام شده بود متهمان پس از دستگیری به دلیل نبود شاکى آنان آزاد اما پس از یک ماه دوباره بازداشت کردند. در همین حال انتشار نامه قربانی این تعرض که «م-ق» معرفی شده است نشان می‌دهد او از همان بدو امر پیگیر واقعه و خواستار برخورد با متجاوزان بوده است. او روز پنجم اردیبهشت - دو روز بعد از وقوع جنایت- در نامه‌ای خطاب به دادستان کاشمر تقاضای پیگیری عاجل این پرونده را مطرح کرده بود و همین نامه ادعای غیبت وی و عدم طرح موضوع از زمان حادثه را

مورد تردید قرار می‌دهد. علاوه بر این «م-ق» مدعی شده تعداد متجاوزان ۵۰ نفر بوده که البته درباره صحت این آمار گزارش دیگری وجود ندارد. در همین حال خبرگزاری مهر نیز با اعلام اینکه پرونده این جنایت به گفته دادستان کاشمر اکنون از دادستانی خارج و به دادگاه کبفری سپرده شده است، نوشت ۱۳ نفر از متجاوزان از سوی نیروهای نظامی و امنیتی شناسایی و دستگیر شده‌اند اما سایر عوامل این جنایت دستگیر نشده و این پرونده هولناک به نتیجه نهایی نرسیده است. نبوی معاون سیاسی - اجتماعی فرمانداری کاشمر نیز گفت: عوامل این جنایت ۴۸ ساعت پس از وقوع جرم دستگیر و به زندان وکیل‌آباد مشهد منتقل شدند اما سه نفر از ۱۴ متهم به علت رفع اتهام آزاد شدند. یکی از بسیجیان منطقه که موضوع را پیگیری و برخی از عاملان را مجبور به نشان دادن محل جرم و معرفی آن زن کرده است در این‌باره به مهر گفت: «پیرو گزارش رسیده از سوی مردم قوژد در ساعت ۲۱:۱۵ روز شنبه سوم اردیبهشت امسال ضمن اطلاع به پلیس ۱۱۰ به محل حادثه رقتیم که متوجه شدیم اراذل و اوباش زن مزبور

را قبل از رسیدن ماموران از محل مزبور با یک دستگاه نیسان برده‌اند. مراتب به اطلاع دادستان کاشمر رسید که وی دستور داد تا زمانی که این خانم طرح شکایت کند اقدامی صورت نگیرد. وی ادامه داد: گشت ۱۱۰ با این دستور دادستان محل را ترک کرد اما ما با بسیجیان بی‌تفاوت از کنار ماجرا رد نشدیم

و پس از شناسایی راننده خودرویی که این زن را از محل جنایت برده بود از وی و دوستانش سوالاتی کریم و در نهایت این زن را در بیمارستان یافتیم. وی افزود: در اول وقت اداری رییس کلانتری گزارش افسر بیمارستان را به همراه گزارش افسر کشیک کلانتری، مبنی بر اینکه بنده به عنوان بسیجی به‌همراه سه نفر به کلانتری مراجعه کرده و تحقیقاتی داشته‌ایم به دادستانی ارسال کرد اما دادستان به جای پیگیری اصل گزارش و صدور دستورات لازم به عنوان مدعی‌العموم به فرع گزارش جسدید و بسیج منطقه را مورد پرس‌وجو و بازرسی قرار داد که چرا موضوع را با وجود دستور دادستان پیگیری کرده‌اید».

انتقادات این بسیجی که نامش فاش نشده در حالی مطرح می‌شود که روز شنبه نیز یکی از اعضای سپاه پاسداران کاشمر در گفت‌وگو با خبرنگارآین از تعلل برخی مسئولان در پیگیری پرونده گلایه کرده بود و سخنان امام جمعه کاشمر نیز به همین موضوع اشاره دارد. از سویی دیگر

حوادث

نامه زن کاشمری به دستگاه قضایی: متهمان را مجازات کنید

جزئیاتی تازه از تعرض در جاده روستایی

جمعی از روحانیون و طلاب بسیجی شهرستان کاشمر نیز نامه‌ی به دادستان این شهرستان نوشتند در این نامه آمده است: «از آنجا که اجرای احکام دین از اولویت‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی است و جامعه دینی و خانواده‌شدها به شدت خواهان اجرای احکام الهی هستند خواستار پیگیری و اشد مجازات عاملان این فاجعه هستیم.» در این

بین انتشار نامه «م-ق» جزئیاتی از این جنایت را فاش کرد. این زن که متاهل و دارای دو فرزند است در نامه‌اش آورده است: «حدود سه سال است که شوهرم که معتاد است مرا رها کرده و بنده تقاضای طلاق داده‌ام که در آخرین لحظات شوهرم خودش را معرفی کرد و (پس از آن) نه سر زندگی می‌آید و نه طلاق می‌دهد. مدتی پیش در مسیر آرایشگاه با فردی به نام محمد آشنا شدم و چون او را آدم سالمی دیدم و به وی اعتماد کردم، سفره دلم را برای او باز و فکر کردم می‌تواند در مشکلات کمکم کند. دو‌بار هنگام برگشت از آرایشگاه با او بیرون رفتم و داخل ماشین با هم صحبت کردیم. در روز شنبه موعوم سوم اردیبهشت ساعت هشت شب که آرایشگاه را اوباش زن مزبور

را قبل از رسیدن ماموران از محل مزبور با یک دستگاه نیسان برده‌اند. مراتب به اطلاع دادستان کاشمر رسید که وی دستور داد تا زمانی که این خانم طرح شکایت کند اقدامی صورت نگیرد. وی ادامه داد: گشت ۱۱۰ با این دستور دادستان محل را ترک کرد اما ما با بسیجیان بی‌تفاوت از کنار ماجرا رد نشدیم

و پس از شناسایی راننده خودرویی که این زن را از محل جنایت برده بود از وی و دوستانش سوالاتی کریم و در نهایت این زن را در بیمارستان یافتیم. وی افزود: در اول وقت اداری رییس کلانتری گزارش افسر بیمارستان را به همراه گزارش افسر کشیک کلانتری، مبنی بر اینکه بنده به عنوان بسیجی به‌همراه سه نفر به کلانتری مراجعه کرده و تحقیقاتی داشته‌ایم به دادستانی ارسال کرد اما دادستان به جای پیگیری اصل گزارش و صدور دستورات لازم به عنوان مدعی‌العموم به فرع گزارش جسدید و بسیج منطقه را مورد پرس‌وجو و بازرسی قرار داد که چرا موضوع را با وجود دستور دادستان پیگیری کرده‌اید».

انتقادات این بسیجی که نامش فاش نشده در حالی مطرح می‌شود که روز شنبه نیز یکی از اعضای سپاه پاسداران کاشمر در گفت‌وگو با خبرنگارآین از تعلل برخی مسئولان در پیگیری پرونده گلایه کرده بود و سخنان امام جمعه کاشمر نیز به همین موضوع اشاره دارد. از سویی دیگر

حدود ۵۰ نفر دور من حلقه زدنند

عده‌ای مست بودند

و صورت‌های خود را پوشانده بودند.

آنها به من تجاوز کردند آنها

کیف و مدارک و لوازم را به سرعت بردند.

بیش از یک ساعت من دست این افراد اسیر بودم

بعد من را سوار موتور کردند

برد و به من کفش داد و سر و وضع را مرتب کردم. او گفت اینجا منزل خواهرم است. بعد مرا به منزل خودم بردند و من به بیمارستان رفتم و در آنجا مامور نیروی انتظامی از من تحقیقات کرد و تاکنون مشغول مداوا بودم و تمام بدنم زخمی و کبود است».

این زن در پایان نامه‌اش نوشته است، اینجانب ضمن شکایت از آنها تقاضای پیگیری سریع دستگاه قضایی را دارم. ضمناً بسیجیان روستا تعدادی از آنها - متهمان - را شناسایی کرده‌اند.

این نامه نشان می‌دهد از همان ابتدا شاکى خصوصی در پرونده وجود داشت با این حال مهر دیروز نوشت: «عنوان می‌شود این زن به دلایل نامعلومی شکایت خود را پیگیری نکرده و امکان انصراف وی نیز می‌رود».

حجت‌الاسلام سید ابراهیم ریسی، معاون اول قوه قضاییه نیز در یک نشست مطبوعاتی گفت: «مسروز در جامعه ما امنیت زنان بسیار قوی تر از جامعه غرب است و ما امن‌ترین وضعیت را در دنیا داریم ولی این با اینکه افرادی فاسد کار خلیف شرع انجام دهند منافاتی ندارد که در این موارد به سرعت پیگیری می‌شود». وی در پاسخ به پرسش یکی از خبرنگاران مبنی بر اینکه برخی از دستگیرشدگان و وکلای پرونده خمینی‌شهر ادعاهایی را مبنی بر بی‌گنه بودن افراد عنوان کردند، گفت: این مهم وظیفه بازپرس پرونده است تا صحت گفته‌ها را تأیید کند. برخی از مجرمان و وکلا به دنبال فراری دادن خود از دست قانون هستند. وی در مورد پرونده خمینی‌شهر و کاشمر گفت: در این دو پرونده تأکید شده با سرعت و دقت رسیدگی شوند زیرا در پرونده‌های امنیتی خاص که قلوب مردم را جریحه‌دار می‌کند، دستگاه قضا به سرعت رسیدگی می‌کند که در این پرونده‌ها موارد با پیک مخصوص به دیوان منتقل و در شعبه خاصی با سرعت رسیدگی می‌شود و مطمئن باشید در زمان بسیار کوتاهی احکام آن اجرا می‌شود.

حجت‌الاسلام ریسی در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه حتماً باید تعرض به زنان رسانه‌ای شود تا قوه قضاییه آن را پیگیری کند؟ گفت: دستگاه قضایی وظیفه‌ها رسیدگی است، شما که این سوال را مطرح می‌کنید یک سری به دادگاه کبفری همان شهر که پرونده تجاوزش رسانه‌ای شده‌برنید، می‌بینید که ده‌ها مورد از این پرونده‌ها که رسانه‌ای نشده‌اند در حال رسیدگی هستند». بنا بر این گزارش پرونده فاجعه کاشمر در حالی در جریان است که مکلفات قضایی این شهر حاضر به اطلاع‌رسانی نیستند از سویی در ماجرای باغ خمینی‌شهر نیز هنوز هفت نفر از متهمان فراری هستند و هنوز دو متهمی که به یک زن مجبیه در جاده کاشان تعرض کردند، شناسایی نشده‌اند.

به شاکى معرفی شده بود اما هیچ سابقه و اطلاعاتی از وی در این شرکت وجود نداشت. با این حال بررسی‌ها ادامه یافت تا اینکه مشخص شد اموال چند نفر دیگر نیز با این ترندد سرقت شده است. شاکیان تازه پرونده نیز در اظهاراتی جداگانه مدعی شدند خدمتکار خانگی‌شان با بیهوش کردن آنها وسایل قیمتی خانه را دزدیده و متواری شده است.

این در حالی بود که خدمتکار خیانتکار پس از سرقت هیچ ردی از خود به جا نگذاشته بود. با این حال تحقیقات ادامه یافت تا اینکه چند روز قبل یکی از مالباختگان با پلیس تماس گرفت و گفت چند دقیقه قبل سعدالله را به‌طور اتفاقی در منطقه سراسر جنگل دیده است. به این ترتیب ماموران پایگاه دوم به آنجا رفتند و دریافتند متهم تحت تعقیب در خانه‌ای مشغول به کار شده است. ماموران برای مدتی این خانه را تحت نظر گرفتند و ساعتی بعد سعدالله را هنگام خروج از آنجاغافلگیر کردند.

سرهنگ عباسعلی محمدیان، رییس‌پلیس آگاهی تهران بزرگ، ضمن اعلام این خبر از شهروندانی که با این شیوه از آنها سرقت شده است، دعوت کرد برای طرح شکایت با شماره تلفن ۲۱۸۶۴۲۵۹ تماس بگیرند.

سرهنگ عباسعلی محمدیان، رییس‌پلیس آگاهی تهران بزرگ، ضمن اعلام این خبر از شهروندانی که با این شیوه از آنها سرقت شده است، دعوت کرد برای طرح شکایت با شماره تلفن ۲۱۸۶۴۲۵۹ تماس بگیرند.

مدعی شد علاوه بر اصغر، دوستش مژگان هم او را همراهی کرده است. به این ترتیب مژگان نیز بازداشت شد و با بررسی حساب بانکی‌اش مشخص شد ۳۵ میلیون تومان از پول‌های مالباختگان در اختیار او است.

اصغر نیز در جریان تحقیقات با پلیس گفت: همسرم مالک آن زنی سابقه‌دار را به من می‌داد و من هم با مراجعه به چندین بانک پول‌ها را از حساب شاکیان برداشت می‌کردم. سرهنگ علی اکبراسدی، رییس پایگاه پنجم پلیس آگاهی تهران در این‌باره گفت: بازجویی از دستگیرشدگان نشان می‌دهد متهمان بین ساعت‌های ۱۳ تا ۱۸ از اوج ازدحام مسافران مترو به خصوص در ایستگاه‌های امام خمینی، صادقیه و ۱۵ خرداد طعمه‌هایشان را انتخاب و در یک چشم به هم زدن اموال آنها را سرقت می‌کردند. وی همچنین از شهروندانی که طی شش ماه گذشته با این شیوه در مترو از آنها سرقت شده است، خواست برای طرح شکایت به پایگاه پنجم پلیس آگاهی مراجعه کنند.

سرهنگ عباسعلی محمدیان، رییس‌پلیس آگاهی تهران بزرگ، ضمن اعلام این خبر از شهروندانی که با این شیوه از آنها سرقت شده است، دعوت کرد برای طرح شکایت با شماره تلفن ۲۱۸۶۴۲۵۹ تماس بگیرند.

کشف کردند. همچنین صدها کیلوگرم طلا و جواهر، سه قبضه اسلحه و ۹ خودرو هم از آپارتمان محل سکون این متهم ضبط شد. بنابر این گزارش، عمده فعالیت این قاچاقچی موادمخدر در منطقه پرخطر و پر تنش «هارلم» نیویورک بود.
محکومیت خلبان مست
ایستنه یک خلبان آمریکایی که حین مستی پرواز کرده بود، به ۱۵ سال حبس محکوم شد. «رون کوپ» ۳۲ ساله حین مستی اقدام به پرواز با هواپیمایی که ۷۰ نفر سرنشین داشت، کرده و جان آنان را در معرض خطر قرار داده بود، به همین دلیل، مستحق تعلیق جواز پرواز و ۱۵ سال حبس شناخته‌شد.

جرایم خشن معلول شرایط اجتماعی

باقر شاملو



■ نکته‌ای که باید به عنوان یک واقعیت در جامعه امروز یادآوری شود این است که جرایم خشونت‌بار در کشورها مختلف به ویژه در ایران به حد قابل توجهی توسعه پیدا کرده است. زناى به عنف و ضرب و جرح عمدی طبق آمار رسمی، یکی از مهم‌ترین و بیشترین جرایمی است که در سطح جامعه واقع می‌شود و رنگ خطری جدی

است که باید توجه مسئولان، آسیب‌شناسان و متولیان را به خود جلب کند. این معضل همت جدی و جمعی را برای برخورد نیاز دارد چرا که این جرم نقطه سباهی در نظام اجتماعی ماست. وقوع جرم تجاوز به عنف در واقع یک معلول و بازخورد سایر شرایطی است که بر جامعه حاکم شده است. یکی از دلایل وقوع این جرم ناشی از

استرس روحی و روانی و فشار فرهنگی است که به مردم وارد می‌شود و در بسیاری از موارد، تجمع اراده مجرمانه و ظرفیت‌های جنایی در جهت ارتکاب جرایم خشینغ را بالا می‌برد. افرادی که دست به این جرم خشن می‌زنند هویت‌های گم شده‌ای دارند که از کنار ارتکاب جرم این هویت را به دست می‌آورند البته نباید از تأثیر فشارهای روانی که بر اثر مسایل مختلف از جمله بیکاری وعدم وجود تفریحات سالم و نبود برنامه‌های خوب و مناسب فرهنگی صورت می‌شود، غافل شویم. این رفتارهای مجرمانه، واکنشی و ناگهانی است، نه با سبق تصمیم؛ همان‌طور که در حادثه خمینی شهر اطلاعات منتشر شده نشان می‌دهد متهمان با سوءمآندگی‌ست به این کار نزده بودند و به صورت لحظه‌ای عده‌ای تصمیم به ارتکاب یک جرم خشن می‌گیرند که از نظر ارزش‌های اخلاقی جامعه ما قابل سرزنش است. این نشان می‌دهد ظرفیت جنایی افراد در حال بافت رافت است و روزبه‌روز افزایش پیدا می‌کند و میزان ارتکاب این جرایم و حتی خشونت و سرد مزاجی مجرمان به شدت تشدید شده است که همه آنها زنگ خطری جدی را به صدا درمی‌آورد و بر برخوردهای منسجم و سازمان یافته را می‌طلبد. در این اگر چه برخورد‌های قاطع و شدید انتظار افکار عمومی است، راحل دراز مدتی محسوب نمی‌شود و راحل‌ منطقی و اجتماعی مناسب و دایمی نیست تجربه نیز این موضوع را به ما ثابت کرده است. در سال‌های گذشته باوجود واکنش‌های شدید دستگاه قضایی نتیجه رضایت‌بخشی را به عنوان اثر مجازات به دنبال نداشته است. بنابراین باید عوامل دیگری از مورد توجه قرار داد. تربیت خانوادگی و آموزش و پرورش نوجوانان در این خصوص از اهمیت زیادی برخوردار است، بسیاری از افرادی که جرم خشن مرتکب می‌شوند خانواده‌ای از هم پاشیده یا ناآشنا به شیوه‌های درست تربیتی دارند یا پدر و مادر به درستی نقش واقعی خود را ایفا نکرده‌اند. همچنین وقوع این جرایم بدون تردید نشانه ضعف عملکرد پلیس و مراکزهای فرهنگی

نهادهای اجتماعی نیز هست. پلیس به‌خصوص در مناطق دور افتاده و روستایی باید حضور فعال تری داشته باشد. ضمناً باید تأکید شود پلیس در انجام وظایف خویش از توسل به رفتارهای خشونت‌بار با مردم پرهیز کند؛ چرا که خشونت، خضونت می‌زاید. شاید بتوان مدعی شد رفتار پلیس به عنوان منظر فرهنگ پلیس و مراکزهای فرهنگی نهادهای اجتماعی نیز هست. پلیس به‌خصوص در مناطق دور افتاده و روستایی باید حضور فعال تری داشته باشد. ضمناً باید تأکید شود پلیس در انجام وظایف خویش از توسل به رفتارهای خشونت‌بار با مردم پرهیز کند؛ چرا که خشونت، خضونت می‌زاید. شاید بتوان مدعی شد رفتار پلیس به عنوان منظر فرهنگ پلیس و مراکزهای فرهنگی نهادهای اجتماعی نیز هست. پلیس به‌خصوص در مناطق دور افتاده و روستایی باید حضور فعال تری داشته باشد. ضمناً باید تأکید شود پلیس در انجام وظایف خویش از توسل به رفتارهای خشونت‌بار با مردم پرهیز کند؛ چرا که خشونت، خضونت می‌زاید. شاید بتوان مدعی شد رفتار پلیس به عنوان منظر فرهنگ پلیس و مراکزهای فرهنگی نهادهای اجتماعی نیز هست. پلیس به‌خصوص در مناطق دور افتاده و روستایی باید حضور فعال تری داشته باشد. ضمناً باید تأکید شود پلیس در انجام وظایف خویش از توسل به رفتارهای خشونت‌بار با مردم پرهیز کند؛ چرا که خشونت، خضونت می‌زاید. شاید بتوان مدعی شد رفتار پلیس به عنوان منظر فرهنگ پلیس و مراکزهای فرهنگی نهادهای اجتماعی نیز هست. پلیس به‌خصوص در مناطق دور افتاده و روستایی باید حضور فعال تری داشته باشد. ضمناً باید تأکید شود پلیس در انجام وظایف خویش از توسل به رفتارهای خشونت‌بار با مردم پرهیز کند؛ چرا که خشونت، خضونت می‌زاید. شاید بتوان مدعی شد رفتار پلیس به عنوان منظر فرهنگ پلیس و مراکزهای فرهنگی نهادهای اجتماعی نیز هست. پلیس به‌خصوص در مناطق دور افتاده و روستایی باید حضور فعال تری داشته باشد. ضمناً باید تأکید شود پلیس در انجام وظایف خویش از توسل به رفتارهای خشونت‌بار با مردم پرهیز کند؛ چرا که خشونت، خضونت می‌زاید. شاید بتوان مدعی شد رفتار پلیس به عنوان منظر فرهنگ پلیس و مراکزهای فرهنگی نهادهای اجتماعی نیز هست. پلیس به‌خصوص در مناطق دور افتاده و روستایی باید حضور فعال تری داشته باشد. ضمناً باید تأکید شود پلیس در انجام وظایف خویش از توسل به رفتارهای خشونت‌بار با مردم پرهیز کند؛ چرا که خشونت، خضونت می‌زاید. شاید بتوان مدعی شد رفتار پلیس به عنوان منظر فرهنگ پلیس و مراکزهای فرهنگی نهادهای اجتماعی نیز هست. پلیس به‌خصوص در مناطق دور افتاده و روستایی باید حضور فعال تری داشته باشد. ضمناً باید تأکید شود پلیس در انجام وظایف خویش از توسل به رفتارهای خشونت‌بار با مردم پرهیز کند؛ چرا که خشونت، خضونت می‌زاید. شاید بتوان مدعی شد رفتار پلیس به عنوان منظر فرهنگ پلیس و مراکزهای فرهنگی نهادهای اجتماعی نیز هست. پلیس به‌خصوص در مناطق دور افتاده و روستایی باید حضور فعال تری داشته باشد. ضمناً باید تأکید شود پلیس در انجام وظایف خویش از توسل به رفتارهای خشونت‌بار با مردم پرهیز کند؛ چرا که خشونت، خضونت می‌زاید. شاید بتوان مدعی شد رفتار پلیس به عنوان منظر فرهنگ پلیس و مراکزهای فرهنگی نهادهای اجتماعی نیز هست. پلیس به‌خصوص در مناطق دور افتاده و روستایی باید حضور فعال تری داشته باشد. ضمناً باید تأکید شود پلیس در انجام وظایف خویش از توسل به رفتارهای خشونت‌بار با مردم پرهیز کند؛ چرا که خشونت، خضونت می‌زاید. شاید بتوان مدعی شد رفتار پلیس به عنوان منظر فرهنگ پلیس و مراکزهای فرهنگی نهادهای اجتماعی نیز هست. پلیس به‌خصوص در مناطق دور افتاده و روستایی باید حضور فعال تری داشته باشد. ضمناً باید تأکید شود پلیس در انجام وظایف خویش از توسل به رفتارهای خشونت‌بار با مردم پرهیز کند؛ چرا که خشونت، خضونت می‌زاید. شاید بتوان مدعی شد رفتار پلیس به عنوان منظر فرهنگ پلیس و مراکزهای فرهنگی نهادهای اجتماعی نیز هست. پلیس به‌خصوص در مناطق دور افتاده و روستایی باید حضور فعال تری داشته باشد. ضمناً باید تأکید شود پلیس در انجام وظایف خویش از توسل به رفتارهای خشونت‌بار با مردم پرهیز کند؛ چرا که خشونت، خضونت می‌زاید. شاید بتوان مدعی شد رفتار پلیس به عنوان منظر فرهنگ پلیس و مراکزهای فرهنگی نهادهای اجتماعی نیز هست. پلیس به‌خصوص در مناطق دور افتاده و روستایی باید حضور فعال تری داشته باشد. ضمناً باید تأکید شود پلیس در انجام وظایف خویش از توسل به رفتارهای خشونت‌بار با مردم پرهیز کند؛ چرا که خشونت، خضونت می‌زاید. شاید بتوان مدعی شد رفتار پلیس به عنوان منظر فرهنگ پلیس و مراکزهای فرهنگی نهادهای اجتماعی نیز هست. پلیس به‌خصوص در مناطق دور افتاده و روستایی باید حضور فعال تری داشته باشد. ضمناً باید تأکید شود پلیس در انجام وظایف خویش از توسل به رفتارهای خشونت‌بار با مردم پرهیز کند؛ چرا که خشونت، خضونت می‌زاید. شاید بتوان مدعی شد رفتار پلیس به عنوان منظر فرهنگ پلیس و مراکزهای فرهنگی نهادهای اجتماعی نیز هست. پلیس به‌خصوص در مناطق دور افتاده و روستایی باید حضور فعال تری داشته باشد. ضمناً باید تأکید شود پلیس در انجام وظایف خویش از توسل به رفتارهای خشونت‌بار با مردم پرهیز کند؛ چرا که خشونت، خضونت می‌زاید. شاید بتوان مدعی شد رفتار پلیس به عنوان منظر فرهنگ پلیس و مراکزهای فرهنگی نهادهای اجتماعی نیز هست. پلیس به‌خصوص در مناطق دور افتاده و روستایی باید حضور فعال تری داشته باشد. ضمناً باید تأکید شود پلیس در انجام وظایف خویش از توسل به رفتارهای خشونت‌بار با مردم پرهیز کند؛ چرا که خشونت، خضونت می‌زاید. شاید بتوان مدعی شد رفتار پلیس به عنوان منظر فرهنگ پلیس و مراکزهای فرهنگی نهادهای اجتماعی نیز هست. پلیس به‌خصوص در مناطق دور افتاده و روستایی باید حضور فعال تری داشته باشد. ضمناً باید تأکید شود پلیس در انجام وظایف خویش از توسل به رفتارهای خشونت‌بار با مردم پرهیز کند؛ چرا که خشونت، خضونت می‌زاید. شاید بتوان مدعی شد رفتار پلیس به عنوان منظر فرهنگ پلیس و مراکزهای فرهنگی نهادهای اجتماعی نیز هست. پلیس به‌خصوص در مناطق دور افتاده و روستایی باید حضور فعال تری داشته باشد. ضمناً باید تأکید شود پلیس در انجام وظایف خویش از توسل به رفتارهای خشونت‌بار با مردم پرهیز کند؛ چرا که خشونت، خضونت می‌زاید. شاید بتوان مدعی شد رفتار پلیس به عنوان منظر فرهنگ پلیس و مراکزهای فرهنگی نهادهای اجتماعی نیز هست. پلیس به‌خصوص در مناطق دور افتاده و روستایی باید حضور فعال تری داشته باشد. ضمناً باید تأکید شود پلیس در انجام وظایف خویش از توسل به رفتارهای خشونت‌بار با مردم پرهیز کند؛ چرا که خشونت، خضونت می‌زاید. شاید بتوان مدعی شد رفتار پلیس به عنوان منظر فرهنگ پلیس و مراکزهای فرهنگی نهادهای اجتماعی نیز هست. پلیس به‌خصوص در مناطق دور افتاده و روستایی باید حضور فعال تری داشته باشد. ضمناً باید تأکید شود پلیس در انجام وظایف خویش از توسل به رفتارهای خشونت‌بار با مردم پرهیز کند؛ چرا که خشونت، خضونت می‌زاید. شاید بتوان مدعی شد رفتار پلیس به عنوان منظر فرهنگ پلیس و مراکزهای فرهنگی نهادهای اجتماعی نیز هست. پلیس به‌خصوص در مناطق دور افتاده و روستایی باید حضور فعال تری داشته باشد. ضمناً باید تأکید شود پلیس در انجام وظایف خویش از توسل به رفتارهای خشونت‌بار با مردم پرهیز کند؛ چرا که خشونت، خضونت می‌زاید. شاید بتوان مدعی شد رفتار پلیس به عنوان منظر فرهنگ پلیس و مراکزهای فرهنگی نهادهای اجتماعی نیز هست. پلیس به‌خصوص در مناطق دور افتاده و روستایی باید حضور فعال تری داشته باشد. ضمناً باید تأکید شود پلیس در انجام وظایف خویش از توسل به رفتارهای خشونت‌بار با مردم پرهیز کند؛ چرا که خشونت، خضونت می‌زاید. شاید بتوان مدعی شد رفتار پلیس به عنوان منظر فرهنگ پلیس و مراکزهای فرهنگی نهادهای اجتماعی نیز هست. پلیس به‌خصوص در مناطق دور افتاده و روستایی باید حضور فعال تری داشته باشد. ضمناً باید تأکید شود پلیس در انجام وظایف خویش از توسل به رفتارهای خشونت‌بار با مردم پرهیز کند؛ چرا که خشونت، خضونت می‌زاید. شاید بتوان مدعی شد رفتار پلیس به عنوان منظر فرهنگ پلیس و مراکزهای فرهنگی نهادهای اجتماعی نیز هست. پلیس به‌خصوص در مناطق دور افتاده و روستایی باید حضور فعال تری داشته باشد. ضمناً باید تأکید شود پلیس در انجام وظایف خویش از توسل به رفتارهای خشونت‌بار با مردم پرهیز کند؛ چرا که خشونت، خضونت می‌زاید. شاید بتوان مدعی شد رفتار پلیس به عنوان منظر فرهنگ پلیس و مراکزهای فرهنگی نهادهای اجتماعی نیز هست. پلیس به‌خصوص در مناطق دور افتاده و روستایی باید حضور فعال تری داشته باشد. ضمناً باید تأکید شود پلیس در انجام وظایف خویش از توسل به رفتارهای خشونت‌بار با مردم پرهیز کند؛ چرا که خشونت، خضونت می‌زاید. شاید بتوان مدعی شد رفتار پلیس به عنوان منظر فرهنگ پلیس و مراکزهای فرهنگی نهادهای اجتماعی نیز هست. پلیس به‌خصوص در مناطق دور افتاده و روستایی باید حضور فعال تری داشته باشد. ضمناً باید تأکید شود پلیس در انجام وظایف خویش از توسل به رفتارهای خشونت‌بار با مردم پرهیز کند؛ چرا که خشونت، خضونت می‌زاید. شاید بتوان مدعی شد رفتار پلیس به عنوان منظر فرهنگ پلیس و مراکزهای فرهنگی نهادهای اجتماعی نیز هست. پلیس به‌خصوص در مناطق دور افتاده و روستایی باید حضور فعال تری داشته باشد. ضمناً باید تأکید شود پلیس در انجام وظایف خویش از توسل به رفتارهای خشونت‌بار با مردم پرهیز کند؛ چرا که خشونت، خضونت می‌زاید. شاید بتوان مدعی شد رفتار پلیس به عنوان منظر فرهنگ پلیس و مراکزهای فرهنگی نهادهای اجتماعی نیز هست. پلیس به‌خصوص در مناطق دور افتاده و روستایی باید حضور فعال تری داشته باشد. ضمناً باید تأکید شود پلیس در انجام وظایف خویش از توسل به رفتارهای خشونت‌بار با مردم پرهیز کند؛ چرا که خشونت، خضونت می‌زاید. شاید بتوان مدعی شد رفتار پلیس به عنوان منظر فرهنگ پلیس و مراکزهای فرهنگی نهادهای اجتماعی نیز هست. پلیس به‌خصوص در مناطق دور افتاده و روستایی باید حضور فعال تری داشته باشد. ضمناً باید تأکید شود پلیس در انجام وظایف خویش از توسل به رفتارهای خشونت‌بار با مردم پرهیز کند؛ چرا که خشونت، خضونت می‌زاید. شاید بتوان مدعی شد رفتار پلیس به عنوان منظر فرهنگ پلیس و مراکزهای فرهنگی نهادهای اجتماعی نیز هست. پلیس به‌خصوص در مناطق دور افتاده و روستایی باید حضور فعال تری داشته باشد. ضمناً باید تأکید شود پلیس در انجام وظایف خویش از توسل به رفتارهای خشونت‌بار با مردم پرهیز کند؛ چرا که خشونت، خضونت می‌زاید. شاید بتوان مدعی شد رفتار پلیس به عنوان منظر فرهنگ پلیس و مراکزهای فرهنگی نهادهای اجتماعی نیز هست. پلیس به‌خصوص در مناطق دور افتاده و روستایی باید حضور فعال تری داشته باشد. ضمناً باید تأکید شود پلیس در انجام وظایف خویش از توسل به رفتارهای خشونت‌بار با مردم پرهیز کند؛ چرا که خشونت، خضونت می‌زاید. شاید بتوان مدعی شد رفتار پلیس به عنوان منظر فرهنگ پلیس و مراکزهای فرهنگی نهادهای اجتماعی نیز هست. پلیس به‌خصوص در مناطق دور افتاده و روستایی باید حضور فعال تری داشته باشد. ضمناً باید تأکید شود پلیس در انجام وظایف خویش از توسل به رفتارهای خشونت‌بار با مردم پرهیز کند؛ چرا که خشونت، خضونت می‌زاید. شاید بتوان مدعی شد رفتار پلیس به عنوان منظر فرهنگ پلیس و مراکزهای فرهنگی نهادهای اجتماعی نیز هست. پلیس به‌خصوص در مناطق دور افتاده و روستایی باید حضور فعال تری داشته باشد. ضمناً باید تأکید شود پلیس در انجام وظایف خویش از توسل به رفتارهای خشونت‌بار با مردم پرهیز کند؛ چرا که خشونت، خضونت می‌زاید. شاید بتوان مدعی شد رفتار پلیس به عنوان منظر فرهنگ پلیس و مراکزهای فرهنگی نهادهای اجتماعی نیز هست. پلیس به‌خصوص در مناطق دور افتاده و روستایی باید حضور فعال تری داشته باشد. ضمناً باید تأکید شود پلیس در انجام وظایف خویش از توسل به رفتارهای خشونت‌بار با مردم پرهیز کند؛ چرا که خشونت، خضونت می‌زاید. شاید بتوان مدعی شد رفتار پلیس به عنوان منظر فرهنگ پلیس و مراکزهای فرهنگی نهادهای اجتماعی نیز هست. پلیس به‌خصوص در مناطق دور افتاده و روستایی باید حضور فعال تری داشته باشد. ضمناً باید تأکید شود پلیس در انجام وظایف خویش از توسل به رفتارهای خشونت‌بار با مردم پرهیز کند؛ چرا که خشونت، خضونت می‌زاید. شاید بتوان مدعی شد رفتار پلیس به عنوان منظر فرهنگ پلیس و مراکزهای فرهنگی نهادهای اجتماعی نیز هست. پلیس به‌خصوص در مناطق دور افتاده و روستایی باید حضور فعال تری داشته باشد. ضمناً باید تأکید شود پلیس در انجام وظایف خویش از توسل به رفتارهای خشونت‌بار با مردم پرهیز کند؛ چرا که خشونت، خضونت می‌زاید. شاید بتوان مدعی شد رفتار پلیس به عنوان منظر فرهنگ پلیس و مراکزهای فرهنگی نهادهای اجتماعی نیز هست. پلیس به‌خصوص در مناطق دور افتاده و روستایی باید حضور فعال تری داشته باشد. ضمناً باید تأکید شود پلیس در انجام وظایف خویش از توسل به رفتارهای خشونت‌بار با مردم پرهیز کند؛ چرا که خشونت، خضونت می‌زاید. شاید بتوان مدعی شد رفتار پلیس به عنوان منظر فرهنگ پلیس و مراکزهای فرهنگی نهادهای اجتماعی نیز هست. پلیس به‌خصوص در مناطق دور افتاده و روستایی باید حضور فعال تری داشته باشد. ضمناً باید تأکید شود پلیس در انجام وظایف خویش از توسل به رفتارهای خشونت‌بار با مردم پرهیز کند؛ چرا که خشونت، خضونت می‌زاید. شاید بتوان مدعی شد رفتار پلیس به عنوان منظر فرهنگ پلیس و مراکزهای فرهنگی نهادهای اجتماعی نیز هست. پلیس به‌خصوص در مناطق دور افتاده و روستایی باید حضور فعال تری داشته باشد. ضمناً باید تأکید شود پلیس در انجام وظایف خویش از توسل به رفتارهای خشونت‌بار با مردم پرهیز کند؛ چرا که خشونت، خضونت می‌زاید. شاید بتوان مدعی شد رفتار پلیس به عنوان منظر فرهنگ پلیس و مراکزهای فرهنگی نهادهای اجتماعی نیز هست. پلیس به‌خصوص در مناطق دور افتاده و روستایی باید حضور فعال تری داشته باشد. ضمناً باید تأکید شود پلیس در انجام وظایف خویش از توسل به رفتارهای خشونت‌بار با مردم پرهیز کند؛ چرا که خشونت، خضونت می‌زاید. شاید بتوان مدعی شد رفتار پلیس به عنوان منظر فرهنگ پلیس و مراکزهای فرهنگی نهادهای اجتماعی نیز هست. پلیس به‌خصوص در مناطق دور افتاده و روستایی باید حضور فعال تری داشته باشد. ضمناً باید تأکید شود پلیس در انجام وظایف خویش از توسل به رفتارهای خشونت‌بار با مردم پرهیز کند؛ چرا که خشونت، خضونت می‌زاید. شاید بتوان مدعی شد رفتار پلیس به عنوان منظر فرهنگ پلیس و مراکزهای فرهنگی نهادهای اجتماعی نیز هست. پلیس به‌خصوص در مناطق دور افتاده و روستایی باید حضور فعال تری داشته باشد. ضمناً باید تأکید شود پلیس در انجام وظایف خویش از توسل به رفتارهای خشونت‌بار با مردم پرهیز کند؛ چرا که خشونت، خضونت می‌زاید. شاید بتوان مدعی شد رفتار پلیس به عنوان منظر فرهنگ پلیس و مراکزهای فرهنگی نهادهای اجتماعی نیز هست. پلیس به‌خصوص در مناطق دور افتاده و روستایی باید حضور فعال تری داشته باشد. ضمناً باید تأکید شود پلیس در انجام وظایف خویش از توسل به رفتارهای خشونت‌بار با مردم پرهیز کند؛ چرا که خشونت، خضونت می‌زاید. شاید بتوان مدعی شد رفتار پلیس به عنوان منظر فرهنگ پلیس و مراکزهای فرهنگی نهادهای اجتماعی نیز هست. پلیس به‌خصوص در مناطق دور افتاده و روستایی باید حضور فعال تری داشته باشد. ضمناً باید تأکید شود پلیس در انجام وظایف خویش از توسل به رفتارهای خشونت‌بار با مردم پرهیز کند؛ چرا که خشونت، خضونت می‌زاید. شاید بتوان مدعی شد رفتار پلیس به عنوان منظر فرهنگ پلیس و مراکزهای فرهنگی نهادهای اجتماعی نیز هست. پلیس به‌خصوص در مناطق دور افتاده و روستایی باید حضور فعال تری داشته باشد. ضمناً باید تأکید شود پلیس در انجام وظایف خویش از توسل به رفتارهای خشونت‌بار با مردم پرهیز کند؛ چرا که خشونت، خضونت می‌زاید. شاید بتوان مدعی شد رفتار پلیس به عنوان منظر فرهنگ پلیس و مراکزهای فرهنگی نهادهای اجتماعی نیز هست. پلیس به‌خصوص در مناطق دور افتاده و روستایی باید حضور فعال تری داشته باشد. ضمناً باید تأکید شود پلیس در انجام وظایف خویش از توسل به رفتارهای خشونت‌بار با مردم پرهیز کند؛ چرا که خشونت، خضونت می‌زاید. شاید بتوان مدعی شد رفتار پلیس به عنوان منظر فرهنگ پلیس و مراکزهای فرهنگی نهادهای اجتماعی نیز هست. پلیس به‌خصوص در مناطق دور افتاده و روستایی باید حضور فعال تری داشته باشد. ضمناً باید تأکید شود پلیس در انجام وظایف خویش از توسل به رفتارهای خشونت